



IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Vera
Robin
Robin

مترجم:

کلینر:

تایپیست:

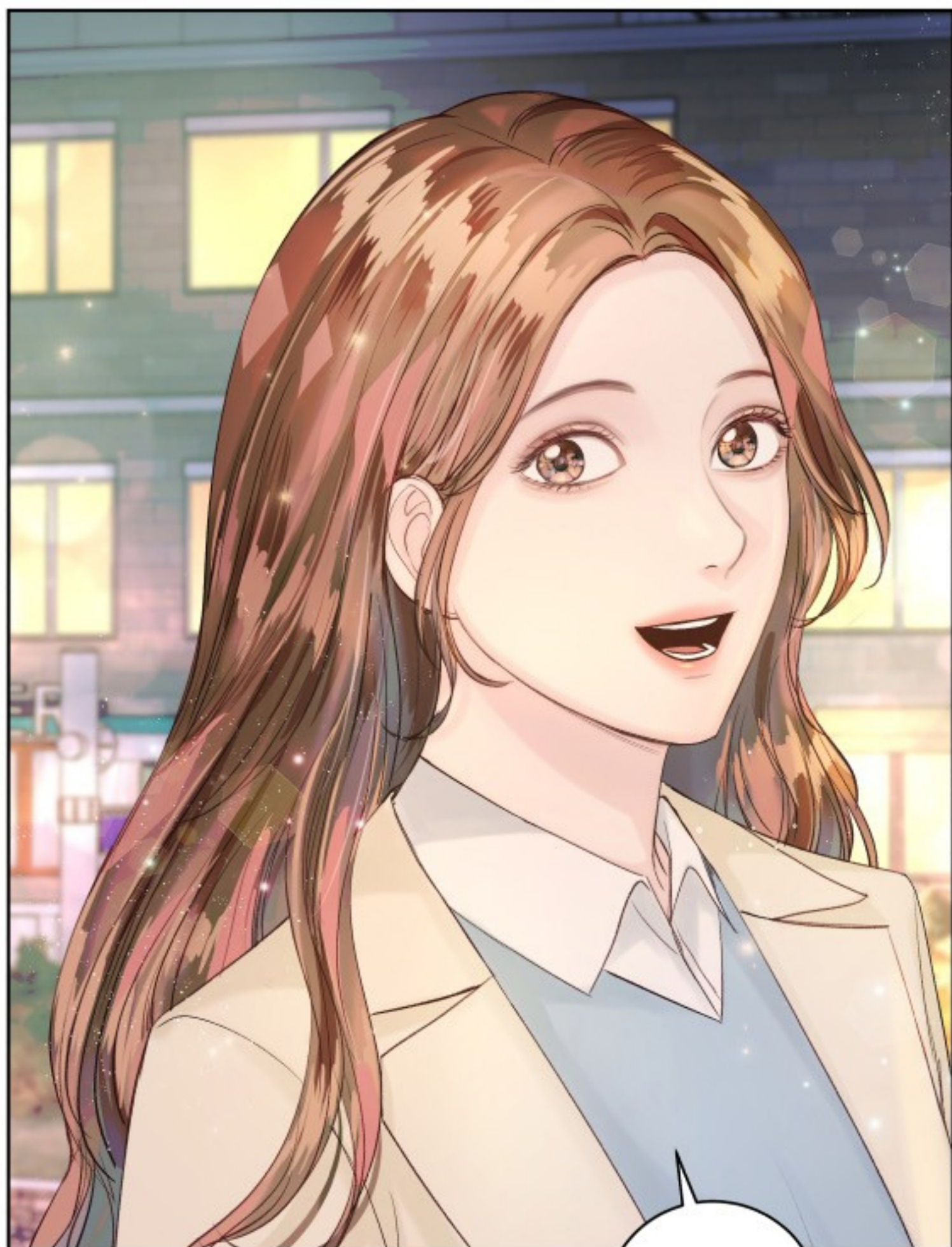
وای!
چقدر قشنگه.





میخواهی بعد
از شام بریم یه
گشتی بزنیم؟





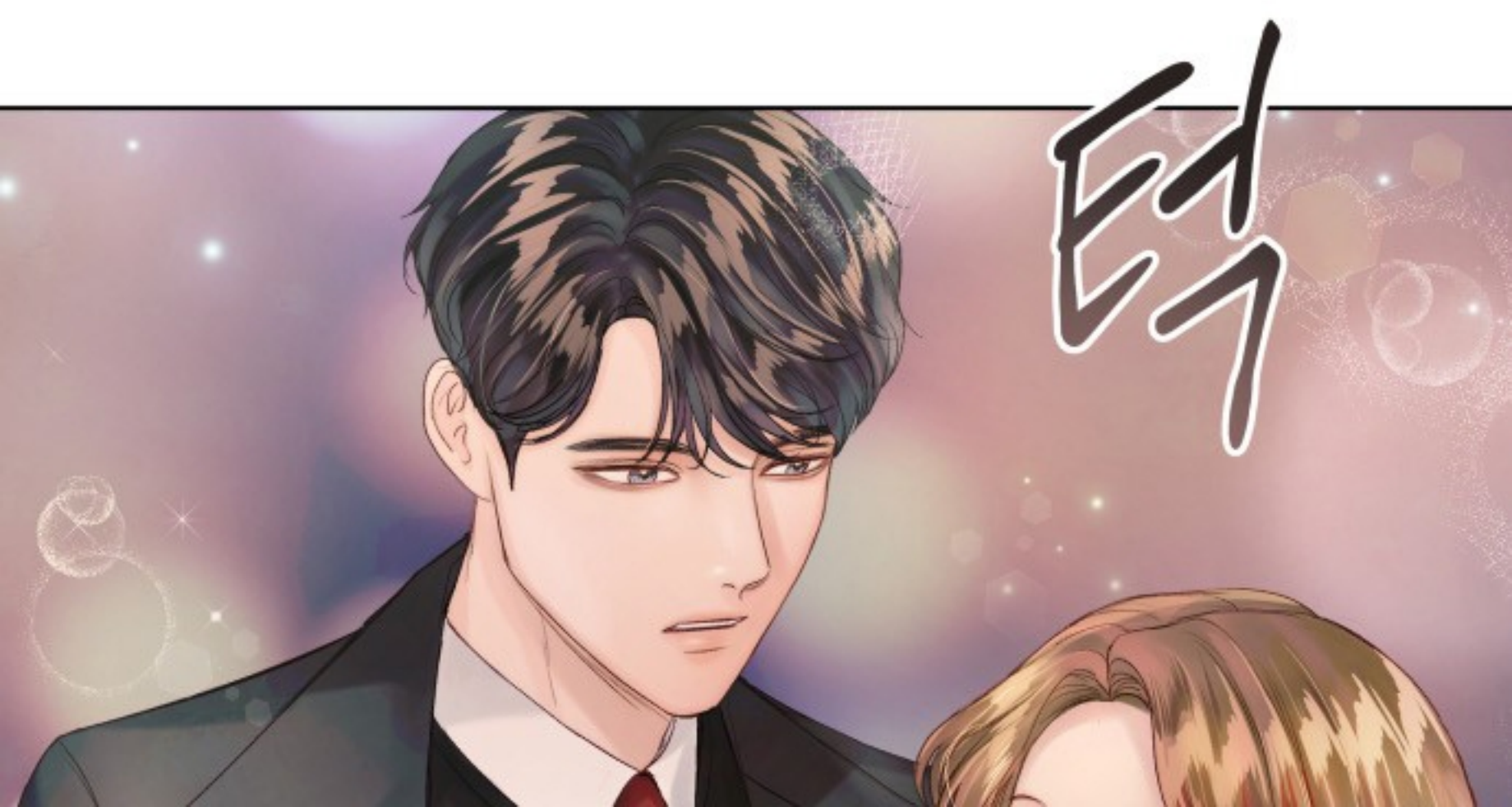
آره.

راستش یکم دلم
گرفته بود. فکر نمی‌کردم
یه درخت کاج اوضاع
رو بهتر کنه.





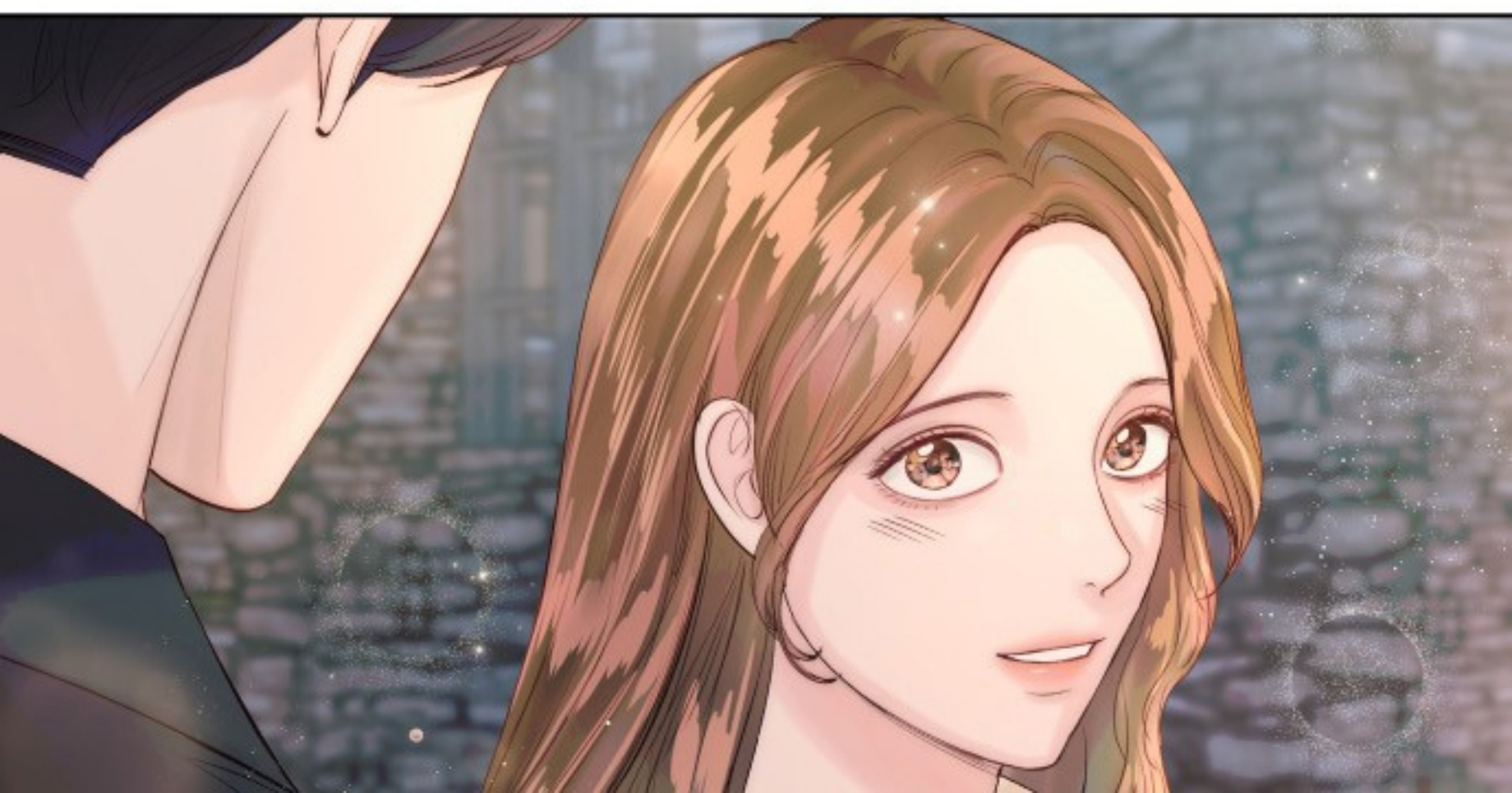


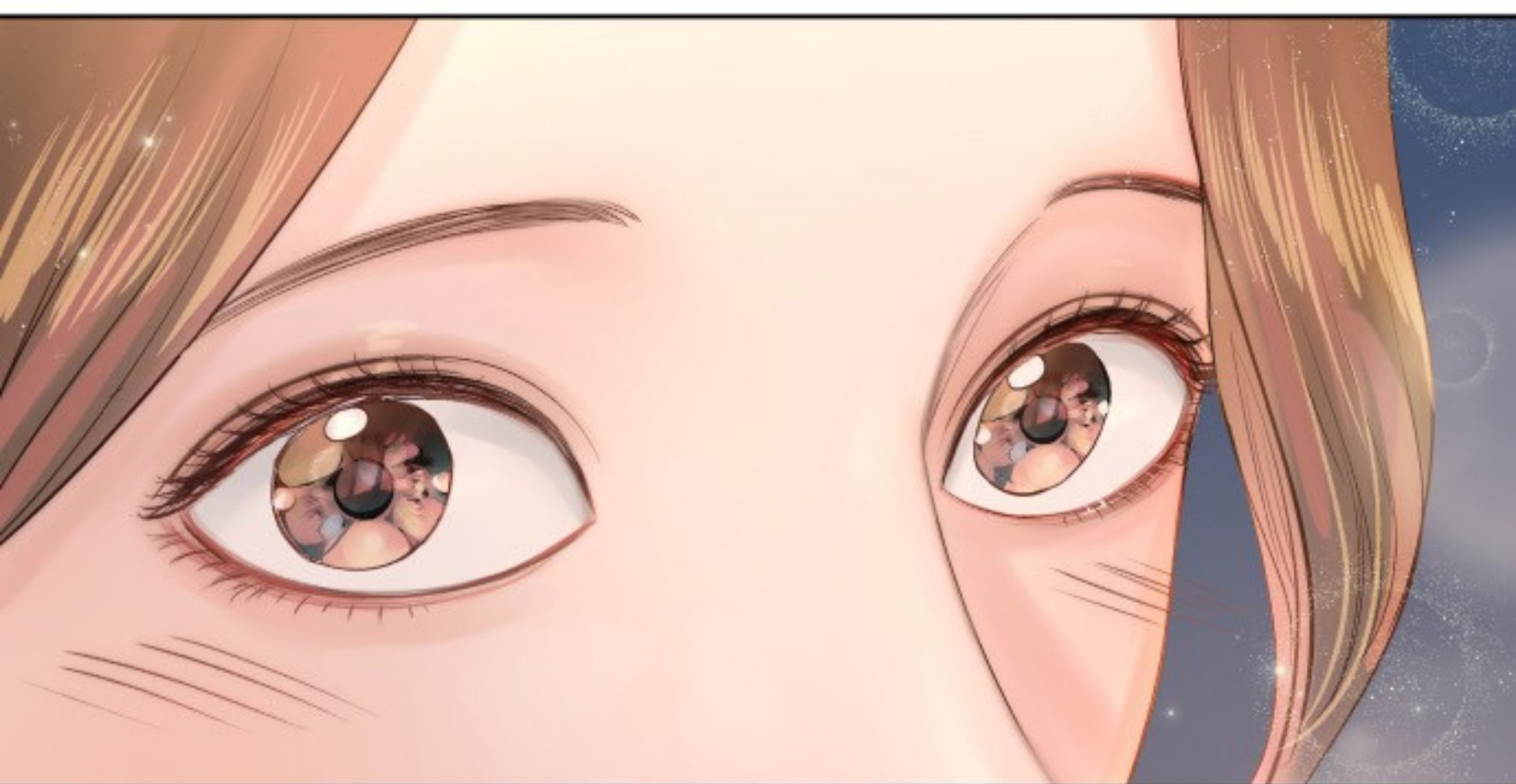






مواظب باش.
زمین لیزه.





هر کی بهش
نگاه کنه میگه این یه
شوهر تمام عیاره.



خوش تیپ

خوش قد و بالا

Iris
Sekai
T.me/
IriSekai

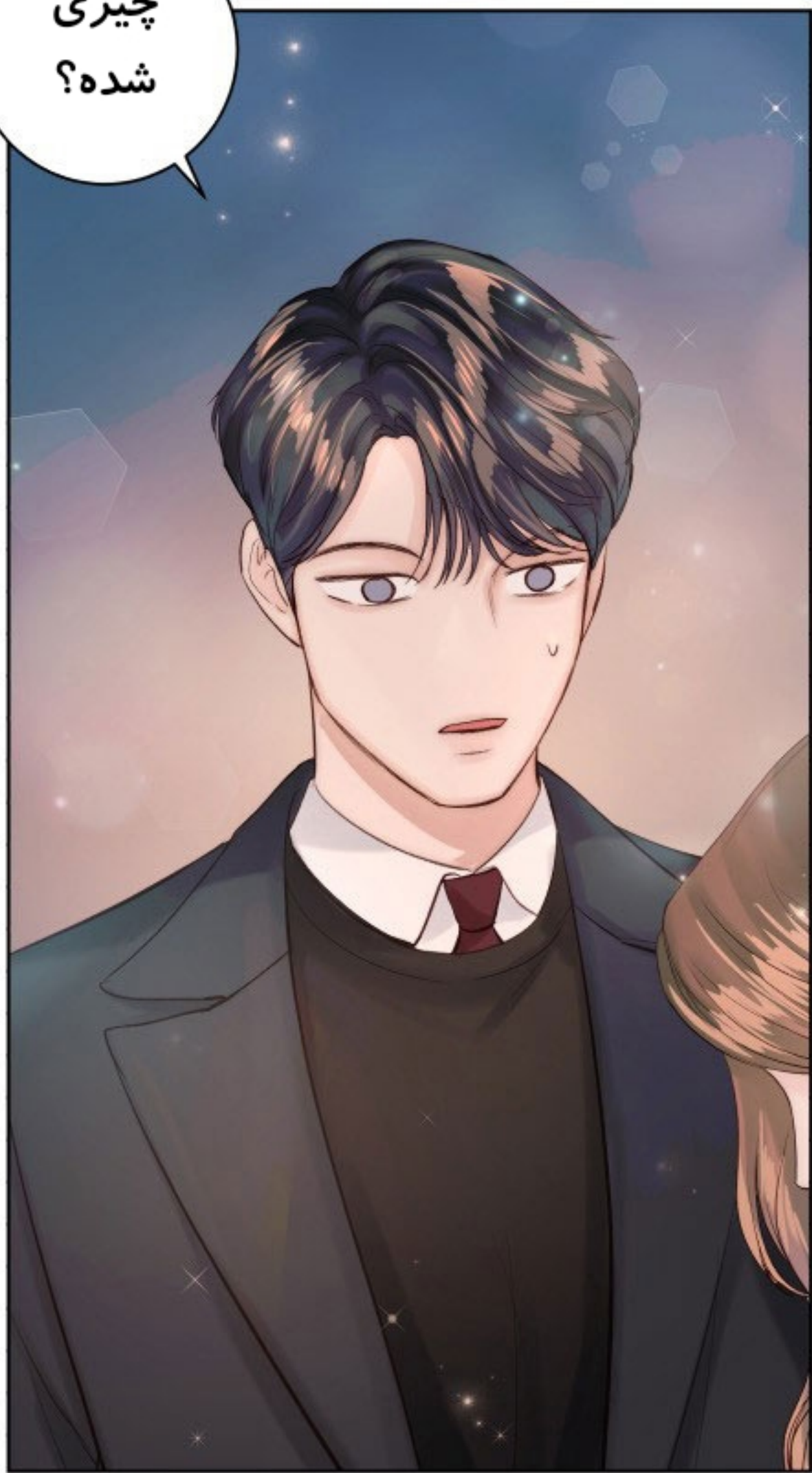
و همچنین...



زیر دپ

یه دروغگو.

چیزی
شده؟



سونبه، تو باید
یکم این صدا و لحتتو
کنترل کنی.



با همین صدات بود
که خر شدم و باهات
ازدواج کردم.





بدون اینکه
چیزی بدونم، وارد
این ازدواج شدم.

اها!



حتی وقت نکردم به
این فکر کنم که از چجور
مردی خوشم میاد.





گذاشتم
اتفاقا بیفتن.





همه اولین های
زندگیم رو به تو
دادم، سونبه.

وِرا: یه اولینی هست که ما هنوز منتظریم بدی.





نیشش
واسه چی باز
شد؟



هوی! دارم چدی
حرف میزنم ها.





چرا ساکت
شدی؟ دارم گوش
میکنم.

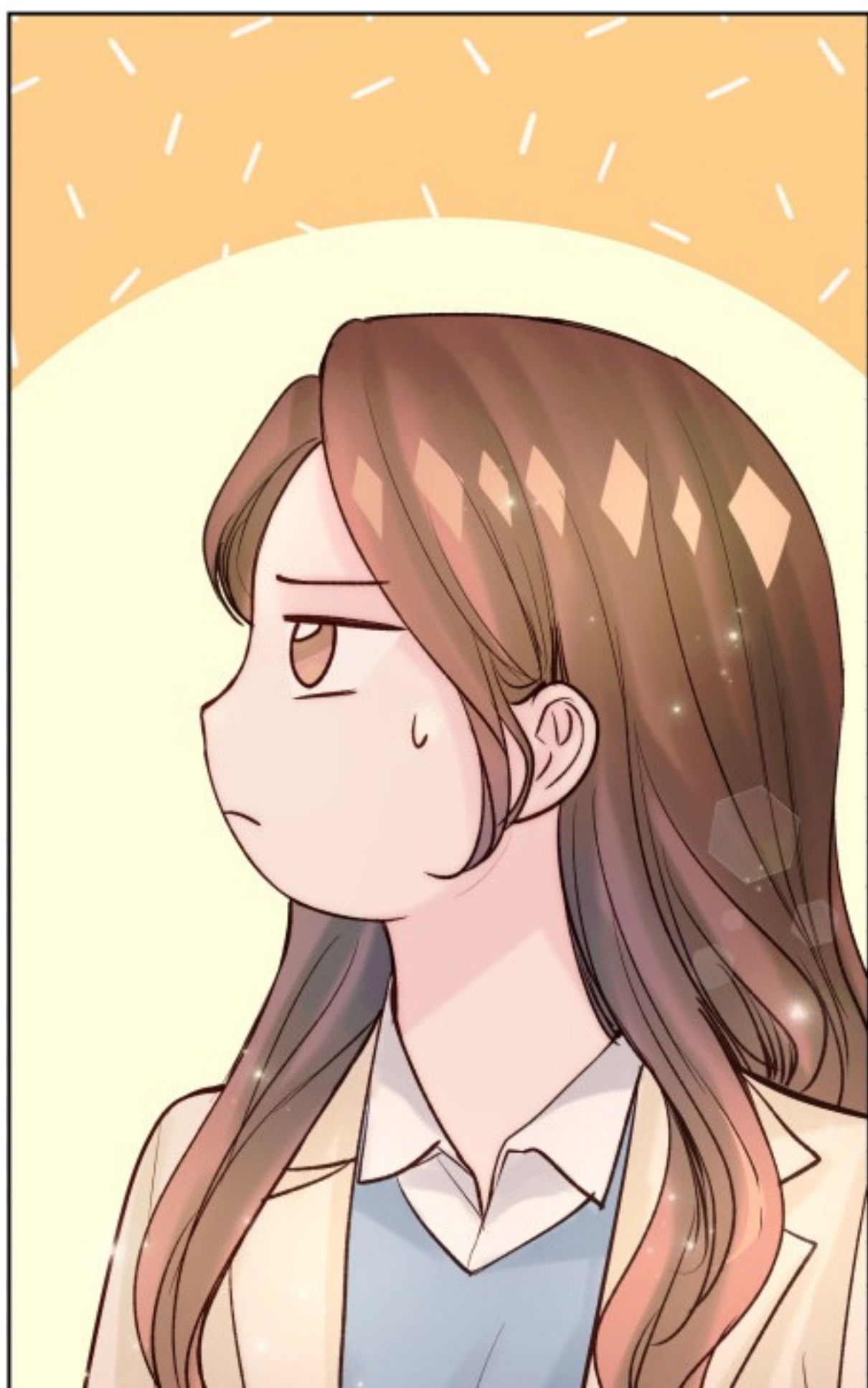




حتی درباره
اتفاقای بد؟



اونقدر برام
مهم نیست.





اینجوری بود که
منو تبدیل به یه زن
متاهل کردی...



واذیتم میکنی!

?

ها؟
مگه چیکارت
کردم؟





هیچوقت
خونه نیستی.



نخیرم. منکه بجز
اون سمینار توی آمریکا
همیشه خونه بودم.

تو بودی که
هیچوقت به بود
و نبودم اهمیت
نمیدادی.

جونم؟ اشتباه
شنیدم؟ من
اهمیت نمیدم؟

نه، درست
شنیدی. خود
خودت بودی.





خوب، از وقتی از
آمریکا برگشتی زیاد
خونه نمیای.

یه وقتایی حتی
یه دو سه شب بیرون
از خونه ای.



ها؟
کی رو میگی؟



۱۵ آگوست
تایمستون پیش!





۱۵ آگوست
تابستون قبلی؟

من....





خدمت
سربازی بودم!





ها؟



خیر سرم داشتم
به کشورم خدمت میکردم
اما یه جوری نگام میکردی
انگار شهربازی بودم.



...؟

هنوزم اون نگاهت
یادمه. خیلی رفته بود
روی اعصابم.



... که اینطور.



من واقعاً
نمیدونستم رفتی
سربازی.

گمونم انسان‌ها
وقتی شناخت پیدا
میکنن که با هم
حرف بزنن.



A man and a woman are walking on a cobblestone path at night. The man is wearing a dark coat and the woman is wearing a light-colored coat. They are walking towards the right. In the background, there is a fence and some trees. The scene is illuminated by streetlights, creating a warm glow. There are some sparkles or light effects in the air.

دیگه چی؟

منظورت چیه
"دیگه چی؟"

هرچی تو
دلت مونده رو
بریز بیرون.



...نکنه میخوای
فردا تلافی شو
سرم دریاری؟

تلافی؟
تلافی واسه چی؟



واسه همینجور چیزا
میتونی بهونه جور
کنی و طلاقم بدی.





منظورت چیه
"طلاقت" بدم؟



هنوزم فکر
میکنی اینکارو
میکنم؟

اے

اے

... حرفمو
پس میگیرم.



چطور میتونم
چنین چیزی رو
نشنیده بگیرم!؟

میتونی تصور
کنی زمان به عقب
برگشته.



غیر ممکنه. عمراً
بشه زمان رو به
عقب برگردوند.

شاید بشه.

اگه بشه
زمان رو به عقب
برگردوند



میشه
سرنوشتمون رو
هم عوض کرد.







حتی اگه طلاقم
بگیریم، میتونیم دوستای
خوبی بمونیم!

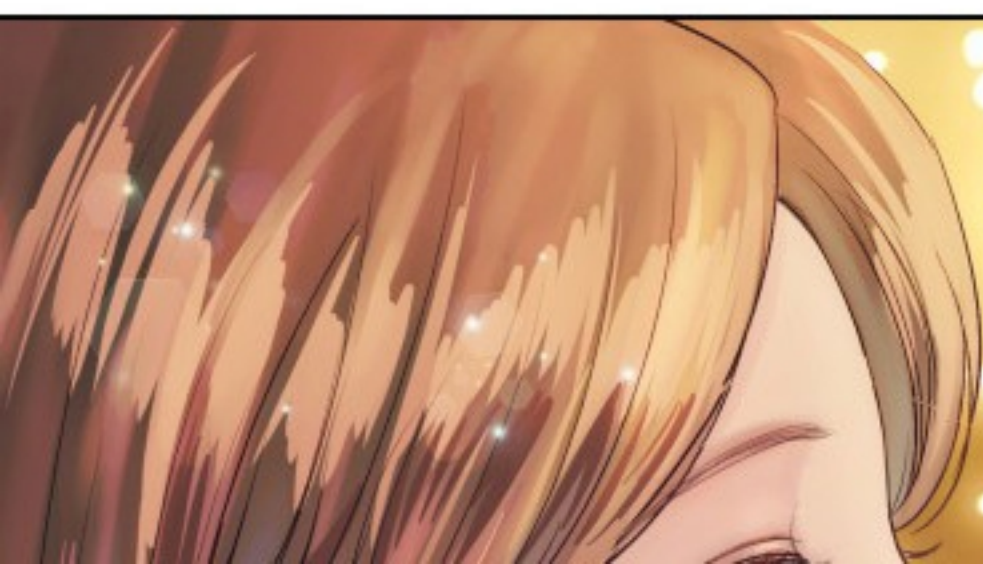


A man and a woman are shown from the back, holding hands. The woman has long, wavy brown hair and is wearing a light-colored dress. The man has short dark hair and is wearing a dark suit. They are standing against a background of bright, sparkling golden light. A speech bubble is positioned above the man's head.

آره. شاید...
من که امیدوارم.

حق با توئه.
حتی اینم میتونه
يجور پایان خوش
باشه.

وړا: برای شماها یا برای ما؟





اوهوم. تنها
چیزی که لازمه یه
پایان خوشه.



خوب، آره...

برای همین
لازم نیست نگرانش
باشی.



ما لازم نداریم
جلوی هم نقش
بازی کنیم

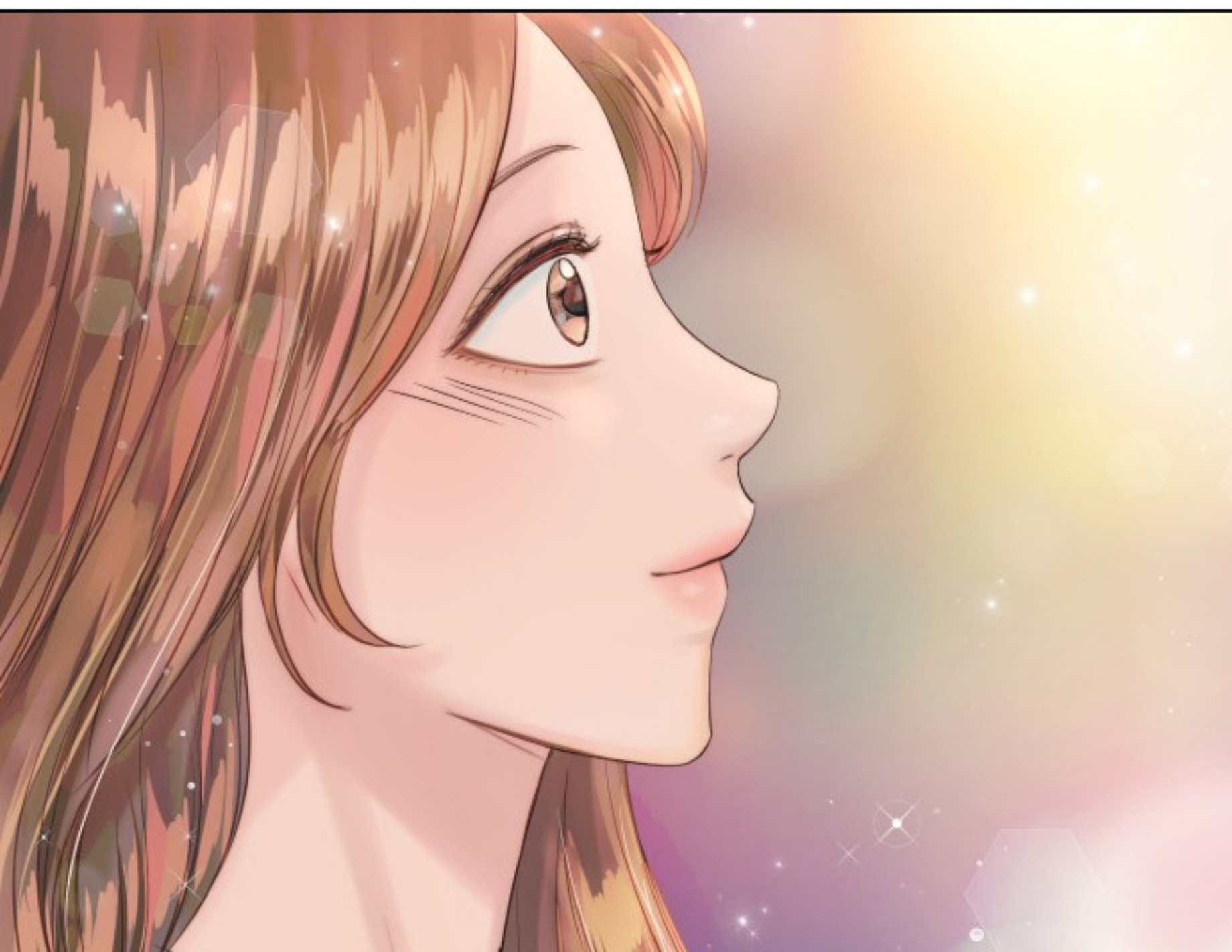
ولی قبلا هم
بهت گفتم که نه
طلاق میگیرم نه
جدا میشم.



آره،

گفته بودم

کینه بودی...





روز کریسمس
همیشه برای من...





**"شلوغ ترین روز
فروشگاه" بود.**

**همیشه سرم
بشدت شلوغ بود**





حتی نمیتونستم تصور
کنم وقتمو برای چنین
گردشی خالی کنم.





واقعاً خوشگله.

반드시 해피엔딩

각색 불사 그림 재림
원작 플아다



ممنونم
که امروز باهام
بیرون اومدی.



الان حاله
خیلی بهتره.

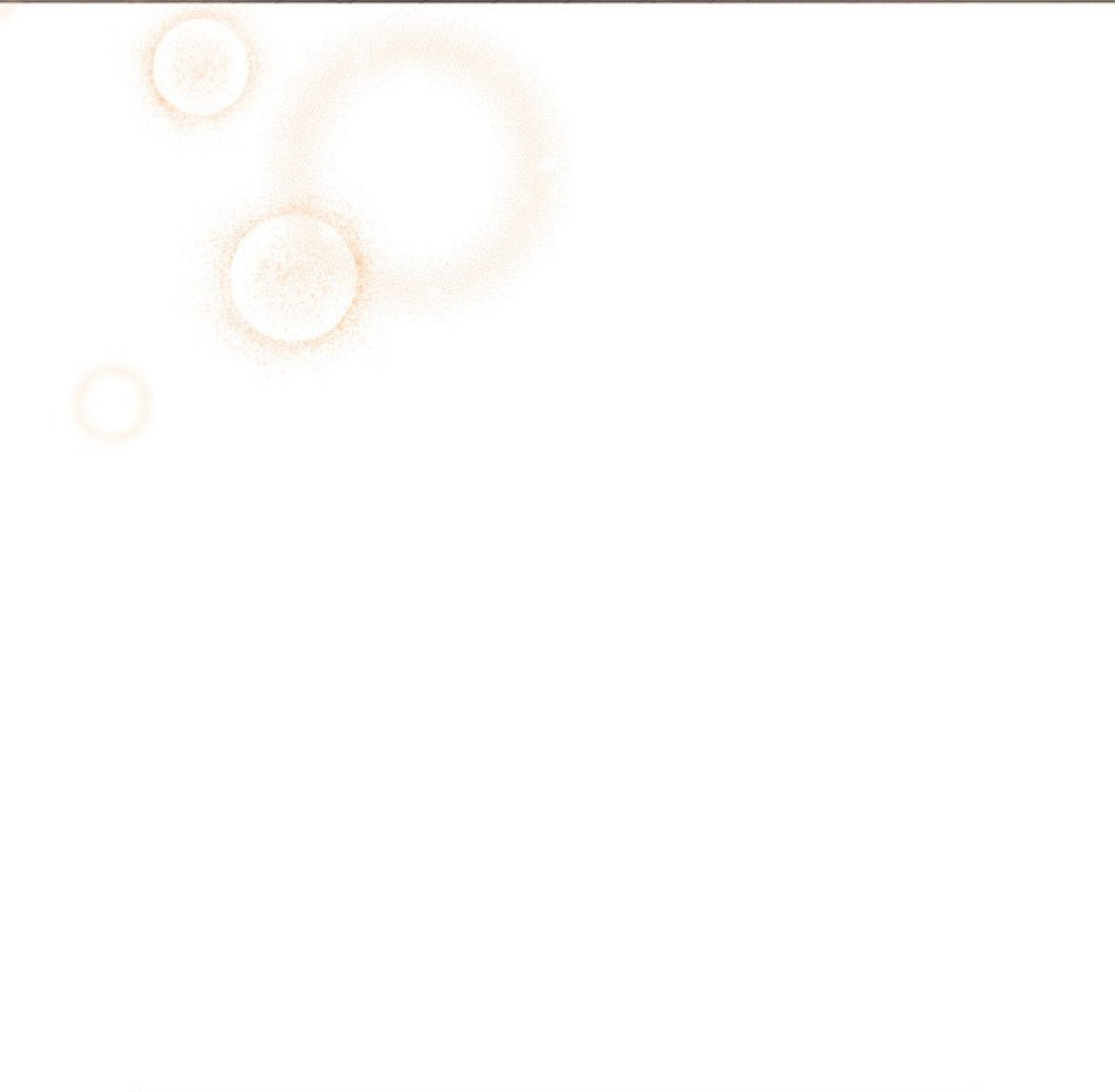


خوب...
شب بخیر.











نظرت چیه
از این به بعد
باهم بخواییم؟

멍췌





جان؟!



منظورم این
که روی یه تخت
بخوابیم.



تو همش میای
چک کنی من زنده ام
یا نه، درسته؟

برای همین
هر روز صبح بدو
بدو میای اتاقم.

دیگه لازم
نیست چنین
کاری بکنی.

저녁

چرا کنار هم
نخواییم؟ اینجوری
بهتره.





مشکلی نداره؟

방긋



ورا: نه بابا! اين بابا
بي بخارتتر از اين حرفاست.

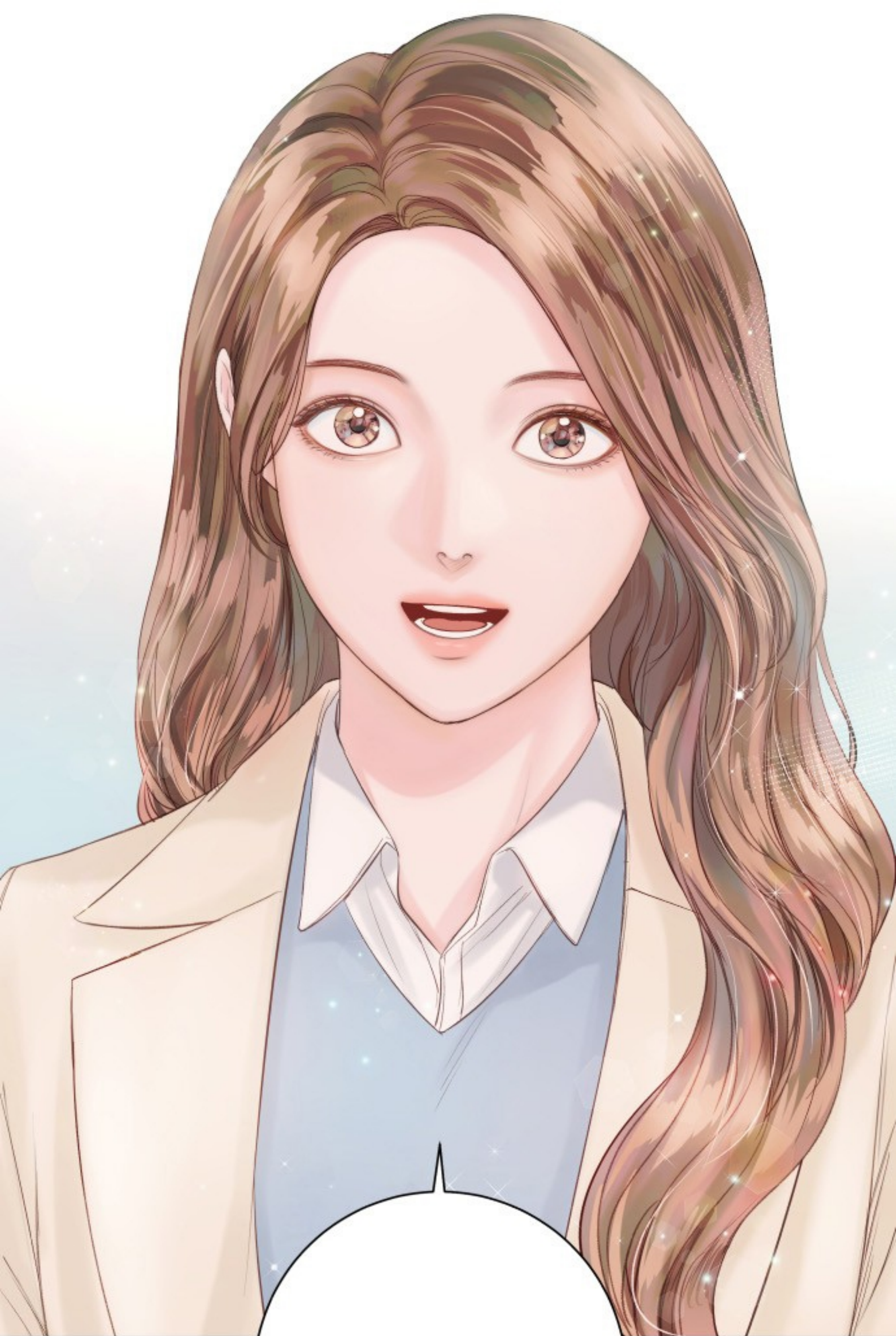
!

화악



معلومه كه نه...





اما یه شرطی دارم.

원고 도움 수리 또바기
승연 아노마
은지
제작 **COPIN**





کانگ سون جه
آنلاین



ممنونم که وقت میزارید. 19:29

و داستان های من و همسرم رو دنبال میکنید. 19:30

اما اگه ببینم این داستان جایی کپی شده. 19:31

چه توی همین تلگرام چه جای دیگه ای. 19:31

منتظر عواقب خطرناکش باشید. 19:31



Message

